

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا

دیروز اعلام کرد که اگر مسکو در مذاکرات با اوکراین برای حل فصل جنگ و دستیابی به توافق صلح، پیشرفتی نشان ندهد، تعرفه‌ها و سایر اقدامات را علیه روسیه اعمال خواهد کرد. هرچند ترامپ توضیحات بیشتری درباره «سایر اقدامات» ارائه نداده، اما مهلت ۵۰ روزه به روسیه را به «روز تقلیل داده‌است که باتوجه به پیام وی، از دیروز شروع شده است.

قیمت نفت در پی اظهارات ترامپ، بیش از سه درصد رشد کرد. ارزش یول روسیه در برابر دلار آمریکا از ۲۴ جولای (دوم مرداد تا ۱۱ آبان) ۴/۳ درصدی، به ۸۱/۹۰ روبل رسیده است.

همچنین بازار بورس روسیه نیز از ۲۴ جولای تا کنون ۳/۴ درصد ریزش کرده‌است. تضعیف روبل به از ران ترشدن کالاها یا روسیه در بازار جهانی منجر شده و متعاقبا رقابت پذیری صادراتی این کشور را بهبود می بخشد و متعاقباً، درآمد‌های ناشی از صادرات نفت مسکو که به دلار محاسبه می شود را افزایش خواهد داد.

الکسی آنتونوف از کارگزاری «آلور» روسیه می گوید: ابهامات پیرامون تحریم های جدید آمریکا همچنان رویکردهای سرمایه گذاران روس را تحت الشعاع قرار خواهد داد.

بنوتشویرتز به طیف سیاست های پولی سختگیرانه بانک مرکزی روسیه و امیدواری به تعدیل تنش ها بین مسکو و آمریکا پس از مذاکرات ماه فوریه در عربستان سعودی، ارزش روبل در برابر دلار اِسمال بیش از ۴۵ درصد افزایش یافته است. به گزارش اپزافنا ارزش روبل در حمل مشترک های کامودیتی روسیه، از غل غل های نفت و گاز گرفته تا صادرات گاز، فلزات و کود شیمیایی، راکاش داد. این شرکت ها حدود ۶ درصد بازار بورس این کشور را تشکیل می دهند که به دلیل تحریم ها، برای سرمایه گذاران غربی به نوعی منطقه ورود ممنوع محسوب می شود.

پس از آنکه روبل شروع به ریزش کرد، سهام برخی شرکت های صادراتی افزایش یافت به طوری که سهام غول نفت و گاز روسیه یعنی «روس نفت» از آغاز هفته جاری بیش از ۲ درصد رشد کرد و تولیدکننده نیکل انونیکل نیز دیروز بیش از پنج درصد جهش داشت.

علاوه بر این، تصمیم بانک مرکزی روسیه در ۲۵ جولای مبنی بر کاهش نرخ بهره اصلی همزمان تا سه پل تورم، به کاهش ارزش روبل کمک کرده است. روبل ضعیف تر در مقابل دلار که هدف اصلی اقدامات تحریمی و تنبیهی ترامپ علیه روسیه است، پشتیبانی می کند زیرا ارزش درآمدهای انرژی مبتنی بر روبل روسیه افزایش زیادی است حتی اگر درآمد پایه واسطه تحریم های جدید کاهش پیدا کند. عواید صادرات انرژی، ۲۷۰ درصد از درآمد بودجه فدرال روسیه در نیمه نخست امسال تشکیل داد.

رسالت

بازگشت سیاست فشار حداکثری آمریکا علیه روسیه



رسمی ترامپ به قدرت، بازتابی از آژیندهای بالقوه است که در آن واشنگتن با ابزار اقتصاد جهانی، مجدداً دست به مهندسی تعادل قوا خواهد زد. از همین رو واکنش فوری بازار نفت و ارز روسیه، پیش درآمدی بر یک سناریوی پرریسک است که صرفاً وابسته به گفتار نیست، بلکه آماده اجرایی شدن است.

۲. واکنش بازار: نفت بالا، روبل پایین – یک تضاد معنادار

افزایش بیش از سه درصدی قیمت نفت پس از اظهارات ترامپ، شاهدی روشن بر آن است که بازار جهانی انرژی هنوز به شدت سیاسی باقی مانده است. با اینکه نفت روسیه از مجرای تحریم های غرب خارج شده، اما حضور آن در بازارهای آسیایی، تعادل عرضه و تقاضا را در سطح جهانی تحت تأثیر قرار می دهد. افزایش قیمت نفت در این شرایط به دلیل افزایش ریسک های ژئوپلیتیکی ارزیابی می شود، نه کاهش عرضه.

روسیه در همین حال، کاهش ۴/۳ درصدی روبل در سه در برابر دلار و افت بازار بورس روسیه نشان دهنده نگرانی عمیق سرمایه گذاران از آینده درآمدهای ارزی کشور و افزایش احتمالی فشارهای خارجی است. این واکنش اگرچه در ظاهر به نفع صادرکنندگان روس است – چراکه ارزش دلاری صادرات افزایش می یابد – اما در صورت نوسان شدید بازار، می تواند فضای مالی داخلی را ناآپایدار کرده و هزینه های وارداتی را افزایش دهد.

۳. روبل ضعیف تر: یک تیغ دولبه

درنگاه اول، تضعیف روبل برای دولتی که بودجه آن به شدت به درآمدهای دلاری حاصل از صادرات

سردار نائینی:

جغرافیای پاسخ ما به دشمنان تغییر خواهد کرد

دشمن ایجاد کردند، تا جایی که دشمن دچار استیصال شد، شکست را پذیرفت، با واسطه ها درخواست توقف جنگ کرد. شاهد ممکن است در زمان حیات شناخته نشوند، ولی بعد از شهادت جلوه های زندگی آن کارگامی شود. خانواده شهدان که با تاسی به شهیدان گریه یاد می و مقاومت کردند، باعث عزت، سربلندی و آبروی ملت ایران شدند. وقتی دشمن با همه دارایی و ابزار و امکاناتش به میدان آمد این شهدا در میدان بودند و با قدرت ایستادند. این شهدا در این جنگ، با فداکاری، شجاعت و رشادت خود بیش قدرت ایران را به جهانیان انتقال دادند، در دل دشمن وحشت ایجاد کردند، دشمنی که باتوهم پیروزی آمده بود، محاسبات او را در هم ریختند.

شهادت این خانواده شهدا مرز پیکان خدائون هستند. شهادت می رسند که مشمول لطف قدری نمی گردند، قبل از شهادت و در همین دنیا، عملکردشان از روی حساب است. کاری که مورد رضای الهی نباشد، انجام نمی دهند.

همه چیز جود یابی و کنی و بی الهی در دورد در رفتارشان، هوا و هوس راهی ندارد. شهید قبل از شهادتش شهید گونه زندگی می کند، برای ما نشانه های کرامت و حجت و حیات طویه هستند.

شهید سلامی در کنه گره های پنهانی می فروزند؛ ایثار خانواده شهدا از شهاده بالاتر است. وقتی مجاهدی شهید می شود به آرزو و هدف خود می رسد. ولی آنکه عزیزش شهید می شود، آرزوی خود را قربانی می کند و این ایثار بزرگ تر است. آن هایی هم که شهیدان و مجاهدان فی سبیل الله را تکبیر می کنند،

روایت کر چه جهاد و شهادت هستند، کنه ره و یادواره برگزار می کنند، فداکاری ها و صدای مظلومیت مردم غزه را به جهانیان منتقل می کنند.

گفتن ما مقاومت را زنده نگه می دارند. ارجشان کشته شدن شهیدان نیست، شهید چویداری روایت کر جهاد و شهادت بود، امروز خودشان را بایداروایت کنند، اونیک روای خوش نام بود، ما برمدو

ازمن مردم بود، رسالت او آگاهی بخشی بود. دشمن نمی داند اگر یک سردار شهید چه فرهنگ مایه شهادت برسد. فرزندان

به طور کلی باید گفت، در ماجرای اسرائیل و فلسطین دو گروه وجود دارد: ۱. مخالفان اشغال. ۲. مخالفان اشغال. در این بین گروهی به نام حامیان دو کشوری، در بازارن مواقنان اشغال قرار دارند.

بنابر این، طرح دو کشوری چند ویژگی دارد: ۱. طرحی ضد مردم فلسطین و برای مشروعیت بخشی به اشغالگری است

۲. تجربه سال ها نشان داده که اسرائیل حتی با اشغال تمام فلسطین به جنگ و جدایی ادامه می دهد

۳. هیچ صلحی در پی این طرح وجود ندارد.

سیاسی

بازگشت سیاست فشار حداکثری آمریکا علیه روسیه

غربی بوده است. اکنون نزافَت ۳/۴ درصدی این بازار طی چند روز گذشته نشان دهنده حساسیت شدید نسبت به تحولات سیاسی بیرونی است. از طرف دیگر، گزارش شازش سهام برخی غول های صنادرتی مثل روس نفت و نورنیکل، دنبال آن است که سرمایه گذاران داخلی به حاکمی با نهاگهای امن برای حفظ دارایی های خود هستند و شرکت های دلاری، جذاب ترین گزینه محسوب می شوند.

این روند د دوگانه نشان می دهد که بازار سرمایه روسیه از یک سود چار چر سایش اعتماد عمومی است، از سوی دیگر به نوعی بازی سوداگرانه بدل شده است که در آن، واکنش به نوسانات نرخ ارز، سوددهی شرکت ها تحت الشعاع قرار می دهد. در این فضای ملتهب، هرگونه تنش خارجی، می تواند نتیجه اعتماد را فرو بپاشد.

۷. پیامدهای جهانی تهدیدات اقتصادی ترامپ

تهدید ترامپ علیه روسیه، محدود به مرزهای این کشور نخواهد ماند. اگر بازار جهانی انرژی دوباره دچار اختلال شود – چه از رهگذر افزایش قیمت نفت یا تغییر در مسیر صادرات روسیه – جهان با موج جدیدی از بی ثباتی مالی روبه رو خواهد شد. در شرایطی که بسیاری از کشورهای غربی با تورم مزمن و رکود نسبی دست و پنجه نرم می کنند، افزایش قیمت حامل های انرژی می تواند رضایتی اجتماعی ه هزینه های سیاسی را در این کشورها افزایش دهد.

از سوی دیگر، احتمال تشدید دیگری در اوکراین در صورت شکست مذاکرات صلح، می تواند نتیجه را تأمین جهانی – به ویژه در بخش کشاورزی، انرژی و فلزات – را مختل کرده و بر اقتصاد جهانی اثر گذار باشد. در واقع، تهدید ترامپ اگرچه در ظاهر معطوف به حل بحران اوکراین است، اما در عمل می تواند خود به عاملی برای تشدید بحران بدل شود.

نتیجه گیری: آینده ای شکننده در برابر موج های آسیبه

در مجموع، وضعیت اقتصادی روسیه درواکنش به تهدیدات امر ترامپ، نشان می دهد که ساختارهای اقتصادی این کشور همچنان تا حد زیادی به متغیرهای خارجی وابسته اند. در عین حال، توان تطبیق سیستم مالی روسیه با شرایط جدید و تجربه آن در مدیریت تحریم، با باعث تشویش مسکو تا کنون از یک فروپاشی کامل پرهیز کند. با این حال، آینده این مسیر به عوامل متعددی بستگی دارد؛ از جمله: – میزان واقعی دولت ترامپ و احتمال پیروزی مجدد او در انتخابات ۲۰۲۴ – واکنش چین، هند و دیگر مشتریان نفتی روسیه به تحریم های ثانویه، – توان کرملین در مدیریت تورم، به حفظ اعتماد عمومی و کنترل تورم؛ – نتیجه مذاکرات صلح با اوکراین و شکل گیری سازوکارهای جدید دیپلماتیک انرژی.

تحت تأثیر تحولات ژئوپلیتیکی و تحریم های

سردار نائینی: جغرافیای پاسخ ما به دشمنان تغییر خواهد کرد

پس از جنگ اهمیت بیشتری دارد، تحکیم پیروزی و تثبیت روایت پیروزی امروز اهمیت بیشتری از زمان جنگ دارد. چند جمله خطاب به آمریکایی و سران رژیم تروریستی صهیونی هم داشته باشیم.

برای ما کاملاً روشن است که اظهارات اخیر سران رژیم صهیونی، ادامه وحشت از محسبتگی ملی ایران و قدرت موشک های ایران است. پاسخ های ایران در جنگ ۱۲ روزه، زندگی را در سرزمین کوچک اشغالی مختل کرده بود، نفس های رژیم، سخت به شماره افتاده بود، نماز شرایط یغرادی، فشارهای روانی و میزان تاب آوری در داخل اسرائیل به خوبی ادرام، ناظران بین المللی و افکار عمومی جهان و همفکران آمریکایی ها شکست شمارا در جنگ پرهزینه و بدون دستاور روایت کردند. دشمن بداند و بخواد دوباره به امنیت ایران دست درازی و غلط کند، نفس آنها را در سرزمین های اشغالی قطع خواهیم کرد.

ترامپ هنوز نتوانسته افکار عمومی را برای خسارت های زیانکبار با اسرائیل در حمله به ایران متوجه کند. شما خوبست اول از پایگاه العدید اوآر برداری کنید، ببینید چه بلایی بر سرتان آمده، بعد یادوه سراپی و تهدید کنید، رژیمي که از سر استیصال کامل در قاعیل ضربات خردکننده موشکی ایران با واسطه های متعدد دنبال قطع دیگری بود، حالا بر روی تهدید به تعرض جدید می کشد، رژیم صهیونیستی بداند، حمله جدید پس از زمان مختدر مردمی را شروع کند، ابتکار عمل ر قطع دیگری با ما است.

نخواهیم گذاشت آذیر خطر در سرزمین های اشغالی قطع شود، فرصت خروج از بنگاه ها شسته نباشید، قرار و آوازی را بیش از جنگ ۱۲ روزه تجربه خواهید کرد، سران رژیم صهیونی وانگشت سریع و غافلگیرنده حمله موشکی ایران را با یک ساعت پس از اعتراض و درحمان روز اول جنگ، تجربه کرد، دشمن بداند، اگر تجاوز تکرار شود، ممکن است، جغرافیای پاسخ و میدان نبرد تغییر کند، واکنش ها

فرماندهان نظامی و پایگاه های عملیاتی بودند، مراکز اطلاعاتی و امنیتی بودند، و رسانه که مرکز روایت گری بود، هدف حلات خود قرار داد. همه چیز ها با یک پهنانه ای شروع می شوند ولی هدف جنگ غیراز آن چیزی است که گفته می شود، نظام سلطه یک قدرت منطقه ای مستقل و تاثیرگذار را نمی تواند، پذیرد، جمهوری اسلامی معادلات قدرت و نحوه حکمرانی را تغییر داده است، سرچالهای از جنگ گفتند: هدف ما تسلیم ایران است، رهبری فرمودند: مشکل آمریکا و رژیم صهیونیستی با ایران قوی است، با ایران مقتدر مردمی است رژیم صهیونیستی در جنگ اخیر با "روایت خود ساخته ایران ضعیف" حمله نظامی را آغاز کرد، این جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی و آمریکا، جنگ ایران تنها، باکل ناتو بود.

این جنگ نشان داد که بنده نظامی برای تغییر رفتار و تسلیم نه تنها هیچ کاری ندارد، بلکه مردم را منسجم تر می کند، این جنگ دستاوردهای فراوانی داشت. فرض ایران ضعیف تر، باعث، ادراکی که از قدرت دفاعی ایران وجود داشت، تغییر داد، مشخص شد حمله به ایران را هزینه است، مشخص شد دشمن مولفه های اصلی اقتدار ایران را نمی شناسد.

باترور فرماندهان، پاسخ قاطع و کوبنده داده شد. حمله موشکی و پهپادی خسارت سنگینی را به رژیم وارد کرد، دشمن در اهدافی که با صراحت اعلام کرد، کاملاً شکست خورد، افسانه شکست ناپذیری پدافند دشمن در هم شکست، موشک های ایرانی کل سرزمین اشغالی را نامن ساخت، طرح ریزی خلاقانه نیروی هوافضای سیاه برای اجرای موج های متعدد دفاعی موشکی، دالما آذیر خطر، پناهگاه، قرار ادر دشمن تجربه کردند، در نهایت با فرو ریختن آب و آری و استیصال دشمن تسلیم و درخواست قطع دیگری کرد.

این جنگ، ابعاد پنهانی فراوانی دارد که به تدریج به تعبیر رهبری آشکار خواهد شد، در مورد دفاع مقدس هم فرمودند ۸۰ سال نیاز است آن گنج ابعادش روایت شود، روایت جنگ،

مبانی قدرت ملی

را برای مقابله با ملت ایران، تیغ کشیدن بر علمای دین و دانشمندان می داند.
بیانیه در بازخوانی فتح الفتوح اخیر ملت ایران در جنگ ۱۲ روزه می افرازد؛ «فروپاشی نظام و اسارتش شلیک کند، اما ملت ایران نتوانسته است با عیو از موانع پدافندی چند لایه پایگاه های آمریکا و اسرائیل را ویران کند؛ منشأ این قدرت از کجاست؟ پاسخ روشن است، ابتنای «دین» و «دانش» موتور محرک این جامعه نشان می دهد. چنین ساخت درونی قدرت راهیج قدرتی در داخل و خارج نمی تواند متزلزل کند.
۵- حجت الاسلام والمسلمین مهدی حسن خمینی در یک تغییر هوشمندانه نگاه گفته است؛ دوگانه ای که امروز مطرح است دوگانه «وطن فروشی» و «وطن دوستی» است.

۴- بیانیه روشنگرانه و عالمانه اخیر ۳۱۲ استاد دانشگاه در تبیین ظهور چنین قدرتی قبل از بیانات اخیر رهبری در نقد دیدگاه های روایت سبیل و دفاع از نظام و روایت سازی مجعول روشنفکران لیبرال از قدرت ملی خواندنی است.

۳۱۲ استاد دانشمند دانشگاه در بیانیه خود تصریح کرده اند: «ما گرفتار یک منازعه تمدنی و هویتی در یک جنگ وجودی هستیم».

غرب، تمدن مبتنی بر دین و دانش را بر نمی تابد. لذا تنها راه

خبر

دو عنصری که باعث عقب نشینی دشمن شد

روز گذشته، رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار خانواده شهدای جنگ تحمیلی دوازده روزه رژیم صهیونیستی علیه ملت ایران، از «دست پر ملت ایران» در این نبرد یاد کردند.

رهبر انقلاب در این مراسم، بنای جمهوری اسلامی را بر دو پایه «دین» و «دانش» خواندند و گفتند: «مردم و جوانان ایران با تکلیه براین دو پایه دشمن را در میدان های مختلف به عقب نشینی وادار کردند و از این پس نیز همین گونه عمل خواهند کرد.»

ایشان علت امتی مخالفت استکبار جهانی و در رأس آن آمریکای جنایتکار با جمهوری اسلامی را دین و دانش و اتحاد ایرانیان زیر سایه قرآن و اسلام دانستند و گفتند: «آنچه آنها به عنوان هسته ای، غنی سازی و حقوق بشر مطرح می کنند پهنانه است و علت اصلی ناراحتی و مخالفت آنها به میدان آمدن سخن نو و توانایی های جمهوری اسلامی در عرصه های گوناگون علمی و دانش های انسانی، فنی و دینی است. «این سخن تکلیه بر تجربه ای تاریخی و تحلیلی عمیق است که رهبر انقلاب طی سه دهه گذشته، بارها در باره اش سخن گفته اند. بازخوانی این بیانات نشان می دهد که چرا علم و ایمان در منطق انقلاب اسلامی، دوشادوش هم پیش می روند و چگونه می توانند تمدنی نوین بسازند.

▲**«العلم سلطان»؛ علم، اقتدار حقیقی ملت ها**

هیچ ملتی بدون دانش به اقتدار واقعی نمی رسد؛ حتی اگر ثروت و جمعیت و منابع طبیعی داشته باشد. راز پایداری قدرت، در دانشی است که وابسته نباشد و بتواند خود را تکثیر کند. رهبر معظم انقلاب در مهرماه ۱۳۸۹ با نگاه راهبردی به این حقیقت پرداختند و یادآور شدند که تا کید نظام اسلامی بر علم، شعاری موسمی یا احساساتی نیست؛ بلکه برآمده از محاسبه ای دقیق است: «ما تا کید می کنیم روی علم. این تأکید، جدی است؛ تعارف نیست؛ از روی يك احساس کاذب تشریفاتی موسمی نیست؛ بلکه از يك تشخیص عمیق و محاسبه شده برمی خیزد. زورگویی در دنیا زیاد است. زورگویی متکی به قدرتشان هستند. آن قدرت و آن ثروت و آن امکانات، برخاسته ی از دانش آنهاست. بدون دانش نمی شود مقابله کرد، نمی شود مواجه کرد.»

ایشان سپس با استناد به حدیث «العلم سلطان»، دانش را اقتدار واقعی ملت دانستند: «من يك وقتی این حدیث را خوانده ام؛ «العلم سلطان»؛ علم عبارت است از اقتدار. علم، خودش يك اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشت، می تواند حرکت کند؛ هر کسی، هر ملتی، هر جامعه ای که نداشت، مجبور است از اقتدار دیگران

پیروی کند.» (۱۳۸۹/۰۷/۱۴)

اما در همین جای یک رمزبندی کلیدی هم ترسیم کردند: علمی که از اخلاق جدا باشد، نه تنها سودمند نیست، بلکه ویرانگر است؛ «علم يك ابزار است، يك سلاح است؛ این سلاح اگر در دست يك انسان بدطینت، بددل، خبیث و آدمکش قرار بگیرد، چراغ جبهه چیز دیگری نمی آفریند؛ اما همین سلاح می تواند در دست انسان صالح، وسیله ی دفاع از انسان ها، دفاع از حقوق مردم، دفاع از خانواده باشد. این علم را بایستی آن وقتی در دست گرفت که با تزکیه همراه باشد.» (۱۳۸۹/۰۷/۱۴)

در نگاه رهبر انقلاب، علم ابر قدرت است؛ اما فقط ایمان و اخلاق است که مسیر استفاده از این قدرت را انسانی می سازد.

▲**«علم غرب، فرهنگ غرب؛ دو مسیر جدا**

در نگاه بعضی از افراد، هنوز این تصور وجود دارد که چون غرب در علم پیششاز شده، پس فرهنگ و سبک زندگی اش هم شایسته تقلید است. اما باید مدرن و فرهنگ مصرف زده و فر دیگری غرب، دو روی یک سکه اند؟

رهبر انقلاب در مهرماه ۱۳۸۱ به این مغالطه پاسخ دادند: «گرفتن علم از دیگران، با گرفتن فرهنگ دیگران اشتباه نشود. این مغالطه بزرگی است که کسی بگوید علم غربی با خوب است، پس فرهنگ و سیستم زندگی و اخلاقتشان هم خوب است؛ نه، اینها با هم ملازمه ای ندارد.»

ایشان بر این نکته تأکید کردند که علم، مولد ه و زمینه های خاص خود را دارد؛ و فرهنگ های مبتنی بر مادیات، بی بندوباری ویی دینی، حتی می توانند به علم آسیب بزنند؛ «علمشان خوب است؛ اما این علم، پروریده و ساخته این فرهنگ نیست؛ حتی این فرهنگ به این علم ضرر هم می زند. فرهنگ بی بندوباری، بی دینی، خودپرستی، گرایش به پول و ماده و اصل دانستن مادیگری ها و ارزش های مادی، فرهنگ های غلطی است که امروز غرب دچار اینهاست.» (۱۳۸۱/۰۷/۰۳)

▲**«از خورzeni تا این تابینا**

برای روشن شدن این تمایز، رهبر انقلاب از تاریخ اسلام شاهد آوردند: بزرگانی چون ابن سینا، رازی و خوارزمی در فرهنگی متعهد و اخلاقی محور پرورش یافتند؛ نه در فضایی شبیه به فرهنگ غرب امروز؛ «اینها در فرهنگی مثل فرهنگ غرب رشد نکردند؛ همچنان که دانشمندان بزرگ غرب و کسانی که دانش غرب را پایه گذاری کردند، هرگز در چنین فرهنگی رشد نکردند. بنابراین پیروی و برتری علم غرب را به هیچ وجه به معنای برتری فرهنگ غرب ندانید.» (۱۳۸۱/۰۷/۰۳)

▲**«دین؛ ریشه اصلی پیشرفت علمی مسلمانان**

گاهی در فضاهای گوناگون، این شبهه تکرار می شود که دین و دانش دو مسیر متضادند؛ گویی هر چه بنده ای مردم بیشتر شود، دانش هم می شوند. اما تاریخ و تجربه، تصویر دیگری نشان می دهد.

ایشان در بیاناتی در تاریخ ۱۳۷۵/۱۱/۱۲۰ این نگاه غلط را چنین نقد کردند: «بعضی به غلط خیال می کنند که «علم گرای» یا «دین گرای» نمی سازد… برای غلط این معنای می گویند که علم گرای مردم – که امروز در جامعه ی ما رواج دارد – «علم گرای» می افتاد… اینها کور خوانده اند و اشتباه می کنند؛ این دو با هم هیچ منافاتی ندارند.»

ایشان سپس از تجربه تمدن اسلامی در سه ده های میانی یاد کردند؛ «این که مسلمانان نتوانستند برای مدت چند قرن مشعل علم را در دنیا به دست بگیرند، همین توجه اسلام به علم و دانش بود. از قارابی تا

خواجه نصیر، حدود سه قرن این مشعل داری ادامه داشته است؛ آن هم در سطح بالا، نه در سطح پایین.» (۱۳۷۵/۱۱/۱۵)

همچنین تأکید کردند که حتی در آغاز رنسانس اروپا، پیشگامان تحولات علمی ازل دین باوران برخاستند؛ نه کسانی که دین سبیز بودند؛ «اولین جلوه های علم که به رنهانسس اروپا منتهی شد… از طرف مذهبی ها بود؛ منتها مذهبی های روشن، نه مذهبی های تاریک ذهن. «این سینا» ما هم همین طور بود؛ او به یک معنا اصلاً یک عارف است. «بیرونی» هم یک عالم دینی است.» (۱۳۷۵/۱۱/۱۵)

در این نگاه راهبردی، این که تنها مانع علم نباشد؛ بلکه انگیزه،

اق و جهت پیشرفت علمی را می سازد. بدون ایمان، علم یا موقوف می شود، یا به ابزاری برای سلطه و ستم تبدیل خواهد شد.

چرا مشکل دارند؟

وقتی رهبر انقلاب از «دست برتر ملت ایران» سخن می گویند، مرادشان تنها یک پیروزی نظامی یا تاکتیکی نیست؛ بلکه اشاره به سرمایه ای عمیق تر دارند: ترکیب ایمان و دانش. این پیوند، راز ماندگاری تمدن هاست و همان چیزی است که نظام سلطه از آن هراس دارد.

علم، ملتی را قوی می کند؛ و ایمان، این قدرت را در خدمت حق و عدالت قرار می دهد. ایران اسلامی، اگر امروز مقتدر است، به خاطر پیوند بیندین و دین است.